

اهمّیت هنرها

در

ترویج امرالله

دارالانشاء بیت العدل اعظم

بیت العدل اعظم مرکز جهانی بهائی

دارالانشاء

۱۹ اگست ۱۹۹۸

محافل مقدسه روحانیه ملّیه

یاران عزیز

اشاره بیت العدل اعظم در پیام مبارک ۱۵۳ بدیع به اهمیت هنرها احبای الهی را در بسیاری از ممالک عالم به ابداع و اقدام به فعالیت‌هایی در جهت استفاده از اشکال مختلف و متنوع هنر در ترویج و اعتلاء امر تبلیغ تشویق نمود. تعدادی از محافل روحانیه و یاران الهی پیشنهاد نمودند که مجموعه‌ای از بیانات و آثار در این خصوص تهیه گردد. این تقاضا به تصویب بیت العدل اعظم رسید و مجموعه‌ای تحت عنوان "اهمیت هنرها در ترویج امر الله" توسط دارالتحقیق بین‌المللی اکمال یافت که نسخه‌ای از آن ضمیمه می‌گردد. بیت العدل اعظم نحوه ابلاغ محتوای آن به یاران منطبقه خود را به عهده شما محول می‌سازند تا به هر نحو که صلاح دانستید اتخاذ تصمیم نمایید.

با تحیات ابدی ابھی

دارالانشاء بیت العدل اعظم

اهمیت هنرها در ترویج امرالله

بیت العدل اعظم الہی در پیام منیع رضوان ۱۹۹۶ خطاب به بینانیان عالم، توجہ جمیع را بہ اہمیت ہنرها، بالآخر ہنرہای طراحى و نمایشی و ادبیات، در ابلاغ، توسعه و تحکیم امر بینائی معظوف فرمودند. متصود از این مجموعہ، شرح و بسط دادن این ہدف و مفہوم می باشد. در حائى کہ در ترجمہ ہای انگلیسی اثر حضرت بقاء اللہ و حضرت عبدالہیاء، اشارات بسیاری بہ "ہنرها"^(۱) موجود است. لکن اصطلاح "ہنر و فن" در بسیاری از فقرات مربوطہ ممکن است ذہن را منحرف نماید، چہ کہ معنای کلمہ اصلی غالباً شامل بُعد وسیعی از فعالیت ہا مانند حرفہ ہای صنعتی و تجاری گردد. مستخرجاتی کہ در این مجموعہ آورده می شود، انتخاب شدہ اند، زیرا عمدتاً بر ہنرہای طراحى و نمایشی و ادبیات تأکید دارند.

۱- the arts این کلمہ ہم بہ معنای ہنر و ہم بہ معنای فن آمدہ است - م

الف - آثار حضرت بهاء الله

۱- شمس حقیقت کلمه الهی است که تربیت صاحبان فهم و بیان به آن منوط. روح حقیقی و ماء سماوی است. به اعانت و عنایت آن جمیع اشیاء حیات یابند. ظهور آن در هر مرآت موکول به لون آن مرآت است. فی المثل وقتی که نور آن بر مرآت قلوب عرفا تجلی نماید، حکمت ظاهر می شود. به همین ترتیب چون بر مرآت قلوب اهل صنعت متجلی گردد، فنون بدیعه جدیده، مکشوف گردد و چون بر قلوب اهل حقیقت منعکس شود آثار بدیعه معرفت حقیقه بارز شود و حقایق کلام الهی معلوم گردد. (ترجمه)

۲- اَنَا حَلَّلْنَا لَكُمْ اصْغَاءَ الاصْوَاتِ وَ النَّعْمَاتِ
 اِيَاكُمْ اَنْ يُخْرِجَكُمْ الْاصْغَاءَ عَنْ شَأْنِ الْاَدَبِ وَ الْوَقَارِ
 اَفْرَحُوا بِفَرَحِ اسْمِ الْعِظْمِ الَّذِي بِهِ تَوْلَيْتِ الْاَفْتَدَةَ وَ
 اَنْجَذِبْتَ عَقُولَ الْمُقَرَّبِينَ اَنَا جَعَلْنَاهُ مِرْقَاةً لِعُرُوجِ
 الْاُرُوَاحِ اِلَى الْاَفْقِ الْاَعْلَى لِاتَجْعَلُوهُ جَنَاحَ النَّفْسِ وَ
 الْهَوَى اَتَى اَعْوَدُ اَنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ^(۱)

٣- "وَالَّذِينَ يَتْلُونَ آيَاتِ الرَّحْمَنِ بِأَحْسَنِ
 الْإِلْحَانِ أُولَئِكَ يُدْرَكُونَ مِنْهَا مَا لَا يُعَادِلُهُ مَلَكُوتُ مَلِكٍ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَبِهَا يَجْدُونَ عَرَفَ عَوَالِمِ الْتَى
 لَا يَعْرِفُهَا الْيَوْمَ إِلَّا مَنْ أَوْتِيَ الْبَصَرَ مِنْ هَذَا الْمَنْظَرِ
 الْكَرِيمِ قَلْبِ أَنَّهَا تَجْذِبُ الْقُوبَ الصَّافِيَةَ إِلَى الْعَوَالِمِ
 الرُّوحَانِيَةِ الْتَى لَا تَعْبَرُ بِالْعِبَارَةِ وَ لَا تُشَارُ بِالْإِشَارَةِ
 طَرَبِي لِنَسَامَعِينَ" (١)

٤- "كَلَّمَا يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ أَنَّهُ لَمْ يَحْيِ الْإِبْدَانَ لَوْ
 أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ كَلَّمَا أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ فِي الْأَرْضِ أَنَّهُ قَدْ
 ظَهَرَ بِأَمْرِهِ الْعَالِي الْمَتَعَالَى الْمَحْكَمُ الْبَدِيعُ إِذَا
 اسْتَشْرَقَ عَنْ أَفْقِ فَمِهِ شَمْسُ اسْمِهِ الصَّانِعُ بِهَا تَظْهَرُ
 الصَّنَائِعُ فِي كُلِّ الْإِعْصَارِ وَإِنَّ هَذَا لِحَقُّ يَقِينٍ وَ
 يَسْتَشْرِقُ هَذَا الْاسْمُ عَلَى كُلِّ مَا يَكُونُ وَ تَظْهَرُ مِنْهُ
 الصَّنَائِعُ بِأَسْبَابِ الْمَلِكِ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْمَوْقِنِينَ كَلَّمَا
 تَشْهَدُونَ ظَهُورَاتِ الصَّنِيعَةِ الْبَدِيعَةِ كُلِّهَا ظَهَرَ مِنْ هَذَا
 الْاسْمِ" (٢)

۵- "هر نفسی که در امرالله ثابت و راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض مینمایند اوست مایه ظهور عالم و صنایع او و اشیاء ظاهره در او بامر سلطان حقیقی و مرتبی حقیقی" (۱)

۶- "اشعار آن جناب فی الحقیقه هر کلمه آن مرآتیی بود که مراتب خلوص و محبت آنجناب بحق و اولیائش در او منطبع هنیئاً لجنابک بمر شربت رحیق البیان و سلسبیل العرفان و هنیئاً لمن شرب و فاز و ویل للغافلین فی الحقیقه بعد از مشاهده بسیار مؤثر افتاد چه که هم حاکی از نور وصال بود و هم مشتعل بنار فراق" (۲)

ب - آثار حضرت عبدالبهاء

۱- "ای یارید الهی ... طیور انس در حدائق قدس باید
 آواز و شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را بوجد و پرواز آرند و
 در این جشن و یزم رتانی چنان عود و رودی بسرود آرند و چنگ
 و چغانه بنوازند که شرق و غرب را سرور و شادمانی دهند و حیور و
 کمرئی بخشند حق تو آهنگ آن چنگ را بنند کن و سرود آن
 عود یزن که یارند را جان بکالبد دهی و رودکی را آسودگی بخشی
 فارمایی را یتاب کنی و این سینا را بسینای الهی دلالت نمائی و
 علیک الشحیة و التناء" (۱۳)

۲- "مشتاقانه امیدوارم که جمیع اشعار فارسی نازله از قلم
 جمال قدم را حفظ نمائی و به صوت ملیح بدیع در جلسات و
 اجتماعات ینائی تلاوت نمائی. عنقریب این اشعار با موسیقی
 غربی تنظیم گردد و الحان ملیحه این سرودها در کمال سرور و
 حیور به ملکوت آیینی واصل شود." (ترجمه از انگلیسی)

۳- "فن موسیقی باید به اعلی درجه ترقی واصل گردد، چه
 که یکی از ابداع فنون است و در این عصر جلیل رب و حید لازم و

واجب است که به کمال خود واصل شود. مع کُلِّ ذلک، نفس باید سعی بلیغ نماید تا به درجه کمال هنری نائل شود و از جمله نفوسی نباشد که امور را ناقص و ناتمام رها می‌سازند. (ترجمه از انگلیسی)

۴- "ای عندلیب باغ الہی تو تم الحان موجب حیات و سرور عالم بشری شود و مستمعین را مسرور و مجبور سازد و عواطف را برانگیزد. اما این سرور، این احساس موقت است و بعد از مدتی فراموش شود. الحمدلله، نعمات خود را با الحان ملکوت مزوج نمودی. به عالم روح سکون و آرامش دهی و احساسات روحانی را دائماً برانگیزی. اثر آن باقی و برقرار ماند و از تحولات قرون و اعصار محفوظ ماند." (ترجمه از انگلیسی)

۵- "ای عبد بنیاء موسیقی از علوم مددوچه درگاه کبریاست تا در جوامع کبری و صوامع عظمی بآبدع نعمات ترتیب آیات نمائی و چنان آهنگی از مشرق الاذکار بلند کنی که ملا اعلی باهتر از آید. ملاحظه کن که نظر باین جهت فن موسیقی چه قدر مددوچ و مقبول است اگر توانی الحان و اینیاع و مقامات روحانی را بکار بر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن. آنوقت ملاحظه فرمائی که چقدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی

بخشد و آهنگی بلند کن که بلبلان اسرار را سرمست و بیقرار
نمائی. (۱۳)

۶- "از استماع جدّ و جهد تو در فنّ خویش مسرورم، چه
که در این عصر جدید و دور بدیع. فنّ و هنر عبارت از عبادت
است. هر قدر در اکمال آن جهد نمائی. به خداوند مقرب تر
گرددی. چه فضلی اعظم از این که فنّ نفسی بمتابۀ نفس عبادت
الهی باشد؟ یعنی. وقتی که اصابع تو با قلم و تماس حاصل نماید.
بمتابۀ این است که در معبد در حال دعا و نیایشی." (ترجمه از
تنگی)

۷- "از جمله اعظم خدمات تربیت اطفال است و ترویج
علوم. صنایع و فنون مختلفه. الحمد لله حال شما نهایت جدّ و
جهد می نمایند تا به این هدف واصل شوید. هر قدر در این وظیفۀ
مهم بیشتر مجاهدت نمائید. بیشتر شاهد تأییدات الهیه خواهید
بود تا بدان حدّ که متحیر خواهید شد." (ترجمه)

۸- "ای مرغ خوش‌الحان"^(۱) جمال ابهی در این دور بدیع حجابات اوهام را خرق نموده و تعصبات اهالی شرق را ذم و قدح فرموده. در میان بعضی از ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم بود، ولی در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدس تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است. فن موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رفعت قلوب مغمومه. پس ای شهنار^(۲) باوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل باهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان بهیجان آید و تبتل و تضرع بملکوت ابهی کند.^(۳)

۹- "اینداه ای اجبای النی. جند و جهند نمائید تا دلالت بر این ترقی و تقدم کبید و حکایت از این تأییدات نمایند و مظهر و مهبط عنایات الهیه شوید، نجوم نورانی وحدت ربانیه شوید و مروجین مواهبت و الطاف حیات مدنیه گردید. در آن ارض؛

-
- ۱- توضیح مترجم: در متن انگلیسی عبارت "جمال ابهی" به "ای مرغ خوش‌الحان" افزوده شده است. در حالی که در متن فارسی، عبارت "جمال ابهی" فعل جمعه بعد قرار گرفته است.
 - ۲- شهنار، نام اعطائی به مخاطب نوح و نیز یکی از دستگاههای موسیقی است.
 - ۳- گنجینه، ص ۱۹۴/ مستخرجانی از آثار امیری درباره موسیقی، ص ۳

طلایع کمالات عالم انسانی باشید و موجب ترقی شعب مختلفه علم و دانش گردید و در مضمار اختراعات و فنون فعال و مترقی شوید. در اصلاح رفتار انسانها سعی جمیل مبذول دارید و طالب اعتلاء اخلاق کلی عالم شوید. وقتی اطفال هنوز در مراحل نوزادی هستند، آنها را از تندی انصاف رتانبه شیر دهید و در مهد تعالی تربیت کنید و در آغوش نطف و مرحمت پرورش دهید و از موهبت هر علم مفیدی نصیب بخشید و در هر صنعت و فن جدید، نادر و بدیعی سنبه نمائید. (ترجمه)

۱۰- "ای مظفر" انصاف آئنی در این دور بدیع اساس متین تعیین تعلیم فنون و معارف است و بنص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند. لهذا باید در هر شهری و قریه‌ای مدارس و مکاتب تأسیس گردد و جمیع اطفال بقدر لزوم در شهر و قریه در تحصیل بکوشند. (۶)

۱۱- "ای فرزند ملکوت جمیع امور اگر با محبت الهیه همراه باشد، مفید است و بدن محبت او جمیع امور مضرت است و

- توضیح مترجم: در متن انگلیسی به جای "مظفر" کلمه "مظاهر" آمده است.

- آثار مبارکه درباره تربیت جهانی، ص ۵۶

بمناوبه حجابی بین انسان و رب الملکوت واقع می‌شود. زمانی که محبت الهی وجود داشته باشد، هر تلخی شیرین شود، هر نطفی نهایت التذاذ بخشد. فی المثل، نغمه و آهنگی که گوشه‌نواز باشد به قلبی که محبت الهیه در آن باشد روح حیات بخشد ولی در نفس آلوده به امیال نفسانی تحریک شهوات کند. (ترجمه از انگلیسی)

۱۲- "ای مرغ خوش الحان دفتر اشعار شیرین و شیوایت ملاحظه گردید. موجب سرور و جیور شد. چه که سرود روحانی و نغمه محبت الهی بود. ناتوانی این آهنگ را در مجامع باران تداوم بخش تا افکار سکون و سرور یابد و با محبت الهی همساز و دمساز گردد. حتی بیان فصیح، اگر با ذوق جمیل و تصنیف ملیح تنظیم و سازگار گردد، تأثیر شدید بخشد. بالاخص اگر سرود آیات وحدت و نعمات تسبیح رب جلیل باشد.

سعی جزیل نما و جهد بی بدیل کن تا اشعار جمیل بررائی که به موسیقی لاهوتی تلاوت گردد تا اثرات جمیله آن بر اذهان اثر کند و بر قلوب مستمعین مؤثر افتد." (ترجمه از انگلیسی)

۱۳- "ای شخص محترم الحمدلله فی موسیقی و الحان آموختی و به لحن ملیح به تسبیح و تحسین حق قدیم پرداختی. از

خدا خواهیم که از این استعداد در دعا و تبتّل استفاده نمائی تا نفوس زنده شوند. قلوب انجذاب یابند و جمیع به نار محبت الله مشتعل گردند. (ترجمه از انگلیسی)

۱۴- در رتبه اولیه در عالم طبیعت ادراکات نفس ناطقه است و در این ادراکات و در این قوه جمیع بشر مشترکند خواه غافل خواه هشیار. خواه مؤمن خواه گمراه. و این نفس ناطقه انسانی در ایجاد انبی محیط و ممتاز از سایر کائنات است. و چون اشرف و ممتاز است لهذا محیط بر انبیاست. از قوه نفس ناطقه ممکن که محتایق اشیا را کشف نماید و خواص کائنات را ادراک کند و باسرار موجودات پی ببرد. این فنون و معارف و صنایع و بدایع و تأسیسات و اکتشافات و مشروعات کلّ از ادراکات نفس ناطقه حاصل. (۱۱)

ج - از بیانات و خطابات حضرت عبدالبهاء

۱- "چه محفل باشکوهی، چه محفل باشکوهی اینها اطفال ملکوتند. سرودی که هم اکنون اصغاء نمودیم هم از نظر آهنگ و هم از نظر شعر بسیار زیبا بود. هنر موسیقی آسمانی و مؤثر است. موسیقی مائده روح و جان است. با نیروی سحرآمیز موسیقی روح انسانی تعالی می یابد. موسیقی هیجان و تأثیر شدیدی در قلوب اطفال ایجاد میکند زیرا قلوبشان پاک و بی آرایش است و نعمات موسیقی در آن تأثیر شایان دارد و استعدادهای نهفته ای که در قلوبشان بود بعه نهاده شده از طریق موسیقی ظهور و بروز مینماید. پس شما سعی کنید تا آن استعدادها را بحد کمال برسانید و بآنها بیاموزید که با نوحی دلپذیر و مؤثر بخوانند. هر طفلی باید قدری موسیقی بداند. رو با بدون اطلاع از این هنر لذت واقعی از الحان و نعمات خوش میسر نخواهند گشت. ایضاً لازم است که در مدارس موسیقی تعلیم داده شود تا روح و قلب محصلین مستبشر گردد و حیانشان بنور شادی منور شود." (۱)

۲- هنرپیشه‌ای به ذکر نمایش و تأثیر آن پرداخت. حضرت عبدالبنیاء فرمودند، "نمایش از اهمیت بسیاری برخوردار است. در گذشته ایام دارای قدرت آموزشی عظیم بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود." ایشان توضیح دادند که در ایام طفولیت شاهد نمایش عرفانی مصیبت حضرت علی و خیانت به آن حضرت بودند و چقدر این نمایش بر ایشان تأثیر عمیق گذاشت که گریستند و لیالی متوالی بسیاری را نتوانستند بخوابند. (ترجمه) (۱)

۳- حضرت عبدالبنیاء فرمودند، "جمع هنرها و فنون موهبت روح القدس است. وقتی که این نور در ذهن یک موسیقی‌دان می‌درخشد، در نهایت هماهنگی و جمال ظهور و بروز می‌نماید. همچنین، سطوع آن در ذهن یک شاعر، به صورت نظم جمیل و نثر جلیل مشاهده می‌گردد. وقتی که نور شمس حقیقت الیهام بخش روان یک نقاش می‌شود، تصاویر بدیعه عجیبه به وجود می‌آورد. این مواهب، وقتی که به حمد و ثنای الهی مشغول شوند، به اعلیٰ مقاصد عالیة خود واصل

۱- نقل از کتاب: 'Abdu'l-Baha in London: Addresses and Notes of Conversations

می شوند.^(۱)

۴- "طبیعی است که قلب و روح از جمیع آنچه که دارای
تفان، همآهنگی و کمال است لذت ببرند و مسرور شوند.
فی المثل، یک خانه زیبا، یک باغ مرتب و منسق، یک خط
متنارن، یک حرکت موزون، یک کتاب جاذب و جانب. انبسه
خوشایند و دلپذیر... در واقع جمیع آنچه که بشنیم دارای لطف
و جمالند برای قلب و روح خوشایند و مطبوع هستند... لهذا
محقق است که صدای حقیقی مورث الشذاذ عمیق می گردد."
(ترجمه)^(۲)

۱- کتاب شاهراه منتخب اثر آیدین بلایفیند، مؤسسه مصوعات امری و بیعت، ۱۹۵۴، ص ۱۶۶

۲- بیانات حضرت عبدالهیه خطاب به حاتم مری لوکاس که در کتاب گزارش کویته از دیدار من از
عکاک (شیکاگو، انجمن مطبوعات امری، ۱۹۵۵) صفحه ۱۴-۱۱ نقل شده است.

د - آثار حضرت ولی امرالله

۱- این تقدیس و تنزیه با شئون و منتضیات آن از عفت و عصمت و پاکیزگی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و نسکده از مکات و قرائح هنری و ادبی است. همچنین توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتهیات نفسانی و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مغرطه‌ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت بحضیض ذلت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلایشهای مضره و اعتیادات دنیئه نالایقه است. این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا بیرونی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلااستار در مرآی ناس و یا آمیزش بر طریق مصاحبت و یا بیوفائی در روابط زناشویی و بطور کلی هر نوع ارتباط غیر مشروع و هر گونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن الهیه را محکوم و ممنوع مینماید و بهیچوجه با اصول و موازین سنیّه و شئون و آداب غیر مرضیه عصر منحط و رو بزوال کنونی موافقت نداشته، بلکه با ارائه ضریق و اقامه برهان و دلیل بطلان این افکار و سخافت این اذکار و مضار و مفسدت اینگونه آلودگیها را عملاً مکشوف و هتک

احترام از توأمین و مقدّسات معنویّه متبعث از تجاوزات و
انحرافات مضنّه را ثابت و مدللّ میسازد.^(۱)

هـ - از مکاتیب محرّره از قبل حضرت ولی امرالله

۱- حضرت ولی امرالله فرمودند وصول مکتوب مورّخ ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱ شما بانضمام موسیقی "غریبه تنها"^(۱) را اعلام نماید ایشان عمیقاً امیدوارند که با رشد امر مبارک و استظلال نفوس مستعنه در ظلّ علم آن، در هنر روح الهی القاء نمایند تا نفوس را حیات بخشند. هر دیانتی نوعی از هنر را با خود به ارمغان آورده است... بینیم این امر مبارک چه بذایعی را موجد خواهد گردید. روحی چنین بدیع و متعالی باید هنری بدیع و متعالی را نیز پدید آورد. معبد با تمام جمال خود تنها اولین شعاع از فجر تولیه است. در آتیه ایام آثاری ابداع و اجمل و اعنی به منصفه ظهور خواهد رسید.^(۲) (ترجمه)

۲- آن حضرت مایلند در کتاب عالم بهائی فصلی جدید را شروع کنند که منحصرأ به اشعار سروده شده توسط اجتهاء اختصاص داشته باشد. حضرت ولی امرالله مایلند به این وسیله نفوس مستعده را می توانند روح محیی آنها را به نحوی بیان کنند، مورد تشویق قرار

The Lonely Stranger-۱

۲- مورّخ ۱۱ دسامبر ۱۹۳۱ خطاب به یکی از اجتهاء.

دهند. ما برای امر مبارک به شعراء و نویسندگان احتیاج داریم و این وسیله بلا تردید راهی مساعد و مفید برای ترغیب آنها است. برخی از اشعار توسط نفوس بسیار جوان نوشته شده است. مع کُلّ ذلک چنان طنینی از حقیقت دارند و افکار را آنچنان بیان می‌دارند که هر نفسی باید تأمل و تحسین نماید. امر مبارک در ایران شعرانی را به وجود آورده است که حتی اغیار آنها را از اعظم شعراء محسوب می‌دارند. امیدواریم عنقریب نفوس مشابهی را داشته باشیم که در غرب قیام نمایند. (ترجمه) (۱)

۳- "مسلم است با توسعه روح حضرت بپناه الله عصری جدید در هنر و ادبیات طلوع خواهد کرد. اگرچه هیأت و قالب در گذشته کمال داشت ولی فاقد روح بود. حال روحی متعالی در هیأت و قالبی مجسم می‌گردد که با نبوغ احیاء شده عالم بی نهایت کمال یافته و ترقی نموده است. (ترجمه) (۲)

۴- حضرت ولی امر الله فرمودند و صول مکتوب مورخ ۱۸ می ۱۹۳۲ شما اعلام کردند. ایشان از وقوف بر این نکته که

۱- مورخ ۲ ژانویه ۱۹۳۲ خطاب به یکی از اجتهاد،

۲- ۳ آوریل ۱۹۳۲. خطاب به یکی از اجتهاد

“مطالع الاصول” را بسیار دوست داشتید، خیلی مسرور شدند، زیرا اجر^۲ عظیم بر این ایشان است که مشاهده نمایند این اثر که زحمت و مرئوت بسیاری را بر این آن متحمل شدند، برای درک بهتر و کاملتر روح حیات بخش به این نهضت و حیات نمونه ابطالی که طلابه ظهور آن در عالم بودند، به یاران مساعدت می نماید”

حضرت ولی امرالله عمیقاً امیدوارند که با مطالعه این کتاب، یاران به فعالیت عظیم تر و ایثار بیشتر ترغیب و تشویق گردند، و نسبت به امر مبارک که اشاع آن و ظفر و نصرت غائی آن به احبباء سپرده شده است، درکی عمیق تر بیابند. بنا به اظهار بعضی از نفوس که این کتاب را مطالعه کرده اند، احدی نمی تواند با آن نفوس آشنائی یابد و به ادامه راه آنها ملتزم نگردد.

مضمناً روح این ابطال بسیاری از هنرمندان را بر خواهد نگیخت که بهترین آثار خود را به وجود آورند. چنین نفوسی هستند که در گذشته ایام شعراء را الهام بخشیدند و قلام نقاشان را به حرکت آوردند. (ترجمه)^(۱)

۵- حضرت ولی امرالله از وقوف بر توفیق “نمایش ملل”^(۲)

۱- میرت ۲۰ جون ۱۹۳۲ خطاب به یکی از احبباء

که شما خلق نمودید بسیار مشعوف شدند. ایشان صمیمانه امیدوارند که جمیع نفوس حاضر و شاهد این نمایش ز همدن روحی که شما را موقع خلق آن احیاء نمود، الهام بگیرند.

از طریق اراده چنین نمایش هائی است که ما می توانیم توجه تعداد کثیری از نفوس را به روح امر مبارک جنب نمائیم. یومی فرا خواهد رسید که امر انهی مانند شعله آتش گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و تعالیم امرتله بر روی صحنه یا به طور کلی در قالب هنر و ادبیات عرضه خواهد گردید. هنر بمراتب بهتر از استدلال سرد و بیروح، بخصوص در میان توده مردم، می تواند احساسات و عواطف متعالیه و شریفه را بیدار نماید.

فقط سنین معدودی را باید صبر و استقامت پیشه نمائیم تا مشاهده کنیم چگونه روح الفاء شده توسط حضرت بنیاءالله، در آثار هنرمندان فرصت ظهور و بروز خواهد یافت. آنچه که شما و بعضی از سایر احتیاء سعی دارید انجام دهید تنها شعاعهای ضعیفی است که مقدم بر نور متلاً صبحی جلیل و پرشکوه می باشد. ما هنوز نمی توانیم نقشی را که مقلد است امر مبارک در حیات جامعه ایفاء نماید ارزیابی نمائیم. باید منتظر مضي زمان بود. ماده ای که این روح باید شکل بخشد بسیار خام و بی ارزش است، لکن مآلاً تسلیم خواهد شد و امر حضرت بنیاءالله در نهایت جلال و عظمت، خود را ظاهر و

بارز خواهد ساخت. (ترجمه) (۱)

۶- حضرت ولی امرالله ارزش بسیاری برای سرودهای امری که تصنیف نموده‌اید، قائلند. آنها در واقع شامل حقایق امریه می‌باشند و به شما در ابلاغ کلمه الهی به یاران جوان خصوصاً کمک خواهد نمود. بیری اثر بخشیدن در روح انسانی موسیقی وسیله مهمی است که ما را در ارتباط روحی کمک می‌نماید. حضرتشان امیدوارند که با استعانت از موسیقی، شما قادر شوید که پیام الهی را به مردم ابلاغ کنید و قلوبشان را مجذوب سازید. (۲)

۷- مقصد حضرت بپاءالله از بیان مبارک "علوم می که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد" (۳) در وهله اولی آن گونه رسائل و تفسیرات مربوط به علوم دینی و الهیات است که به جای آنکه مددی در نیل به حقیقت باشد، باری سنگین بر ذهن انسان می‌نهد. (۴) محققین این علوم عمر خود را وقف مطالعات خود

۱- مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲ خطاب به یکی از احباب.

۲- مستخرجانی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۱۳

۳- منقحات کتاب اقدس، ص ۱۸۱

۴- تا این قسمت از ترجمه بیان مبارک، از صفحه ۱۸۲ ملحقات کتاب اقدس نقل گردید - م

می‌نمایند اما به هیچ مقصدی واصل نمی‌گردند. مضمناً مقصود حضرت بهاء‌الله ابداً قرار دادن داستان نویسی در این مقوله نبوده است. تندنویسی و ماشینی نویسی، هر دو از استعداد های بسیار مفیدی هستند که در حیات اجتماعی و اقتصادی جاری ما بسیار لازم و ضروری‌اند. آنچه که شما می‌توانید و باید انجام دهید این است که از داستانهای خود به نحوی استفاده کنید که برای نفوسی که آنگاه می‌خوانند، منبع الهام و هدایت شوند. با این وسیله‌ای که در اختیار شما است، شما می‌توانید به انتشار و توسعه روح و تعالیم امر مبارک بپردازید. شما می‌توانید مصائب و خطیبات موجود در جامعه و نیز طُرق ازاله و اصلاح آنها را ارائه نمائید. اگر شما دارای استعداد واقعی در نویسندگی هستید، باید آن را به عنوان موهبتی الهی تلقی کنید و سعی نمائید از آن برای اصلاح و اعتلاء جامعه استفاده کنید. (ترجمه)^(۱)

۸- شعری را که در وصف جناب نبیل سرود ما باید عمیقاً در من تأثیر نمود ... از هرگونه اشعار دیگری که از قسم خوش قریحه و خوش طبع شما در خصوص هر دوره یا واقعه بیان شده در تاریخ فسانا پذیر جناب نبیل جریان یافته باشند مشتاقانه استقبال

می‌نمایم.^{۱)} (ترجمه)

۹- دربارهٔ سؤال مهمی که دربارهٔ اجرای سرودهای امری در جلسات عمومی بهائی مطرح نموده‌اید، هیکل مبارک فرمودند بنویسم که ایشان هیچگونه نظر مخالفی با این امر نداشته و ندارند. موسیقی بدون شک قسمت مهمی از برنامهٔ اجتماعات بهائی است و حضرت مولی‌الوری اهمیت آن را تذکر داده‌اند ولی یاران در این باره و دربارهٔ امور دیگر نباید از حد اعتدال خارج گردند. باید دقت فراوان مبذول دارند که حالت روحانی جلسات محفوظ ماند. موسیقی باید هادی به سوی روحانیات باشد و اگر چنین حالتی را ایجاد نماید هیچگونه مخالفتی با آن نخواهد بود.

ولی یک فرق بسیار مهم و اساسی بین سرودهای تصنیف شده توسط یاران و تلاوت آثار انجیلی با صوت باید قائل شد.^{۲)}

۱۰- و اما در خصوص سؤال شما در این خصوص که آیا مصلحت ایجاب می‌کند که وقایع تاریخی 'مر بهائی' به صورت نمایش

۱- مورخ ۱۶ اگست ۱۹۳۲ به خط مبارک در حاشیهٔ نامه‌ای که از قبل هیکل مبارک خطاب به یکی از نجباء نوشته شده، مرقوم گردیده است.

۲- نقل ترجمه از صفحه ۱۳ مسترحانی از آثار امری دربارهٔ موسیقی

ارائه گردد، حضرت ولی امرالله مسلماً مورد تأنید قرار می‌دهند و حتی تشویق می‌فرمایند که یاران باید به چنین فعالیت‌های ادبی، که بلا تردید می‌تواند ارزش تبلیغی وسیع و عظیمی داشته باشد، مشغول گردند. آنچه که ایشان مایلند یاران از آن اجتناب نمایند این است که شخصیت حضرت اعلی، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را به صورت نمایش در نیاورند، به این معنی که از آنها به عنوان شخصیت‌های نمایشی، اشخاصی که بر روی صحنه ظاهر می‌شوند. استفاده نمایند. همانطور که قبلاً خاطر نشان شد، ایشان معتقدند که چنین اقدامی کاملاً متک حرمت آن نفوس مقدسه است. صرف این نکته که آنها بر صحنه ظاهر شوند عبارت از یک بی‌احترامی است که به هیچ وجه با مقام بسیار متعالی ایشان هم‌هنگی ندارد. پیام، یا عین کلام ایشان، باید مرجحاً توسط پیروان و مؤمنین ایشان که بر صحنه ظاهر می‌گردند بیان شده منتقل گردد. (ترجمه^{۱۱})

۱۱- حضرت ولی امرالله از اطلاع بر علاقه شدید شما به موسیقی و میل شما به خدمت به امر مبارک از این طریق، بسیار مشغوف شدند. (۲) اگرچه حال فقط بدایت هنر امری است، معهد

۱- موزخ ۲۵ جولای ۱۹۳۶ خطاب به یکی از احباء

۲- از این قسمت ن آخر این بند در صفحه ۱۵ مستخرجتر درباره موسیقی به این صورت ترجمه

یادرتمی که احساس می‌نمایند در این موارد دارای مواهب و استعدادهایی هستند باید در جهت توسعه و پرورش استعدادهای خود سعی جزئیل مبدول دلرند و با آثار خود، هر چند به صورت ناقص و جزئی، روح الهی را که حضرت بهاء‌الله در عالم القاء فرموده‌اند، منعکس سازند.^(۱)

۱۶- سؤال کرده‌اید که چه امری منبع الهام موسیقیدانان و آهنگسازان بهائی خواهد بود، موسیقی گذشته یا کلام الهی؟ ما که در آستانه فرهنگ بیانی واقف هستیم، نمی‌توانیم احتمالاً آینده را پیش‌بینی نماییم که چه اشکال و خصوصیات فنون و هنرهای آتیه از این ظهور بدیع عظیم کسب الهام خواهد کرد. تنها امری که می‌توانیم از آن اطمینان داشته باشیم این است آنها بدیع و شکفت‌انگیز خواهند بود، زیرا هر دینتی موجب اعتلاء و ارتقاء فرهنگی شده است که به اشکال مختلف شکوفا شده است. می‌توان انتظار داشت که امر محبوب ما نیز تأثیری مشابه داشته باشد. آنچه که هم‌اکنون تلاش می‌شود و درک

شده است. اگرچه اکنون سرآغاز و طلیعه هنر بیانی است ولی یارانی که در این زمینه‌ها استعدادی در خود احساس می‌کنند باید آنرا تقویت و تکمیل نمایند و از این طریق روح جدید الهی که بوسیله حضرت بهاء‌الله در آفاق دمیده شده است و لو بطور محدود منتشر نمایند.^(۱)

۱- موزخ * نوامبر ۱۹۳۷ خطاب به یکی از احباء

می‌گردد تنها موارد زودرس و عجولانه است. (ترجمه)^(۱)

۱۳- چون موسیقی یکی از هنرها محسوب می‌شود در پرورش قوای فکری و روحی انسان اثر دارد^(۲) و حضرتشان عقیده ندارند که بیانیان در صدد ایجاد موسیقی مخصوص بهائی برآیند همچنانکه نباید در صدد ایجاد مکب خاص بهائی در زمینه تقاشی یا نویسندگی بود. یاران آزادند که به تبعیت از استعداد خود تقاشی کنند و به نویسندگی بپردازند و یا به تصنیف موسیقی اشتغال ورزند. اگر موسیقی بر مبنای آیات مقدسه تنظیم شود، یاران آزادند که از آن استفاده نمایند ولی نباید تصور رود که یکی از شرائط الزامی جلسات بهائی حتماً داشتن برنامه موسیقی است. هر قدر یاران از تشریفات قراردادی دورتر باشند، مطلوبتر است. زیرا باید به این نکته توجه شود که امر الهی جنبه کاملاً جهانی دارد و آنچه ممکن است در یک معنک به عنوان یک برنامه تفریحی اضافی در جلسات عید و یا ضیافات نوزده روزه به شمار آید، ممکن است در تقطه دیگر به گوش مردم

۱- مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۴۲ خطاب به یکی از اعضاء

۲- توضیح مترجم: در اصل انگلیسی آمده است: موسیقی به عنوان یکی از هنرها، عزارت از یک پیشرفت و توسعه طبیعی فرهنگی است و حضرت ولی امر الله عقیده ندارند... اما لاجل حفظ مانت عین ترجمه سابق در متن نقل گردید.

مملکتی ناخوش آیند باشد و برعکس. مادامی که موسیقی را به خاطر خود موسیقی به کار نزنند، اشکالی ندارد، ولی نباید آن را موسیقی بهائی محسوب نمود.^(۱)

۱۴- "...ایشان مایلند توجه آن محفل را به یک موضوع بسیار مهم جلب نمایند و آن عبارت از اسم اعظم است. در نظرگاه غربی، که در زمینه هنر خوش‌نویسی که عانی‌ترین هنر تکامل یافته شرق است، تعلیم نیافته باشد، تقریباً هر اسم اعظمی، اگر تجسم‌بخش نکات برجسته باشد، اسم اعظم محسوب می‌گردد. لکن در نظر یک فرد شرقی ممکن است زشت و فاقد جمال جلوه نماید ... آنچه که باید ملحوظ گردد، نسبت‌های دقیق است. اسم اعظم نباید برای پوشاندن یک فضای مستطیلی یا مدور، از طرفین یا به طرف بالا کشیده شود." (ترجمه)^(۲)

۱۵- "یک کانادایی فرتسوی تبار بود که به بصیرت و مهارت خویش واسطه طراحی، ترمیم خصوصیات و ویژگی‌های اولین مشرق‌الافکار غرب مؤثر بود و اولین مجهودات را، هر چند ناقص و

۱- مستخرجتی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۱۵

۲- مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۴۸ خطاب به یکی از محافل روحانیه مبنی

ابتدائی برای بیان جمالی رقم زد که هنر بهانی در اوج کمال خود در مقابل عیون اهل عالم شکوفا خواهد ساخت. (ترجمه)^(۱)

۱۶- موسیقی یکی از هنرها است و انبیاء الهی به تعلیم هنرها نمی‌پردازند؛ اما انگیزه و تحرک فرهنگی عظیمی که دین به جامعه اعطاء می‌کند، تدریجاً اشکال جدید و بدیعی از هنر ایجاد می‌نماید. ما شاهد این تأثیر در شبکهای مختلف معماری و نقاشی مرتبط با تمدنهای مسیحی، اسلامی، بودائی و سایر ملایت‌ها مشاهده می‌کنیم. موسیقی نیز به عنوان یکی از تجلیات و وسیلهٔ ابزار احساسات ناس رشد کرده است.

ما معتقدیم که در آیهٔ ایام، وقتی که روح امر بهانی در عالم نفوذ کرده و جامعه را عمیقاً متحول کرده باشد، موسیقی تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت؛ ولی هیچ چیز به نام موسیقی امری وجود ندارد. تمام آنچه که در تعالیم مبارکه در خصوص موسیقی گفته می‌شود این است که می‌تواند در قلب و روح انسان عمیقاً نفوذ نماید و در ارتقاء و اعتلاء تأثیری شدید دارد. (ترجمه)^(۲)

۱- اول مارچ ۱۹۵۱، نقل از بی‌نوشت حضرت ولی امرالله بر مکتوبی که از طرف آن حضرت خطاب به یکی از محافل روحانیهٔ منبیه مرقوم شده است.

۲- موزع سوم فوریه ۱۹۵۲ خطاب به یکی از اجنباء

۱۷- و اما در خصوص مسائلی که در مکتوب خود مطرح ساخته‌اید در تعالیم مبارکه هیچ بیانی علیه رقص وجود ندارد، اما یقیناً باید به خاطر داشته باشند که معیار حضرت بهاء‌الله عبارت از اعتدال و عفت و عصمت است. جو تالارهای نوین رقص، که آلوده به دخان و شرب مسکرات و بی‌عفتی است، بسیار نامطلوب است، اما رقص حتی معتدل و با پوشش مناسب بنفسهم مضر نیستند. البته در رقص کلاسیک یا فداگیری رقص در مدرسه ضرری وجود ندارد. شرکت در نمایشها نیز زیانبار نیست. این اصل بر اجرای نقشهای سینمایی نیز شمول دارد. امروز، آنچه که مضر است نفس هنر نیست، بلکه انحطاط شوم و ناگواری است که غالباً محیط بر هنرها می‌باشد. ما بهائیان نرومی ندانیم که از هنرها احتراز نمائیم، بلکه از اعمال و جوی که گاهی اوقات به این حرف و پیشه‌ها ملازم است، باید اجتناب نمود. (ترجمه)^(۱)

۱- مرتب ۳۰ جون ۱۹۵۳ خطاب به یکی از محافل روحانیه مبنی

و - پیام‌های صادره از معهد اعلی یا محرزه از سوی بیت العدل اعظم

۱- تبلیغات بنفسه باید کاملاً ترک شود، متین و موقر و توأم با احترام باشد. یک اقدام متظاهرانه و افراطی که ممکن است در جذب توجهات اولیه زیادی به امر مبارک موفق شود ممکن است بالمآل ثابت شود که موجب تحرفی شده باشد که غبه بر آن مستلزم بذل مساعی عظیمه است. معیار وقار و متانت و احترام که توسط حضرت ولی محبوب امرالله وضع شده است بلاخص در اجزای موسیقی و نمازش، همواره باید رعایت گردد. شمایل مبارک حضرت مولی‌الوری نباید همیشه و همه جا بدون استثناء مورد استفاده قرار گیرد. این بدان معنی نیست که فی‌المثل فعالیت‌های جوانان باید عقیم گذاشته شود؛ شخص می‌تواند بدون هتاک و بی‌حرمتی یا ضایع کردن متانت و شأن امر الهی، پرشور و شوق و بانشاط باشد. ترجمه:

۲- ... معتقدیم که اطلاع شما بر این نکته مفید خواهد بود که سرودهایی که کلمات آن را آثار اصلی حضرت اعلی، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء تشکیل می‌دهند، بر بی قسمت روحانی ضیافت کاملاً مناسب هستند. مسلماً، تلاوت‌های فارسی بر حسب سنتی

متفاوت، عبارت از چنین سرودهایی است. این تلاوت آثار طریقه‌ای برای آهنگ و موسیقی گذاشتن بر روی کلمات مبارکه است و هر شخصی که به تلاوت می‌پردازد، به نحوی این کار را انجام می‌دهد که عواطف خود وی و تجلی کلمات مبارکه‌ای را که بیان می‌دارد، منعکس می‌سازد. و اما در خصوص سرودهایی که کلمات آن منظوم هستند و تصنیف‌های نقوسی غیر از طلعات مقدسه امر مبارک: آنها می‌توانند مساعد و مطلوب باشند، اما در جای خود باید استفاده شوند...

مادام که اجتماعات ما اینقدر متأثر از آهنگ و کیفیت عبادت ما و تحت تأثیر احساسات و درک ما از کلام الهی در این یوم است، امیدواریم که شما، با استفاده از موسیقی و سایر مقام‌های احساس‌برانگیز، جمیل‌ترین تجلی ممکن از ارواح انسانی را در جوامع خود تشویق و ترغیب نمائید.^(۱) (ترجمه)

۳- استنباط شما که نمایش دادن حضرت اعلی و حضرت

بهاء‌الله در آثار هنری ممنوع است، کاملاً صحیح می‌باشد.

حضرت ولی امرالله این نکته را توضیح فرمودند که این ممنوعیت شامل جمیع مظاهر ظهور الهی است؛ عکس‌ها یا تکثیر تصاویر حضرت مولی‌الوزری را می‌تواند در کتابها مورد استفاده قرار

۱- دستخط مورخ ۱۱ فروردی ۱۹۷۱ معهد اعلی خطاب به یک محفل روحانی منی

داد، ولی در کارهای نمایشی و سایر آثار هنری که ایشان به عنوان یک "شخصیت نمایش" به تصویر کشیده شوند، نباید اقدامی صورت گیرد. به هر حال، با ارائه نمادین این هیاکان مقدسه نمی‌تواند مخالفتی وجود داشته باشد، مشروط بر آن که به یک امر مرسوم بند نگردد و نماد مورد استفاده موجب بی‌حرمتی نگردد." (ترجمه)^(۱)

۴- "اگرچه کاملاً صحیح است که افراد هنرمندی چون مبارک تویی^(۲) و سایرین بلا تردید ملهم و متأثر از محبتی بوده‌اند که به امر مبارک حضرت بیاء الله داشته‌اند، لکن در دور بهائی هنوز بسیار زود است که در مورد تأثیر و نفوذ امر الهی بر هنرها به طور عمده سخنی گفته شود. مسلماً حضرت ولی محبوب امر الله بنفسه المبارک خاطر نشان فرموده‌اند که هنوز چیزی به عنوان هنر بهائی وجود ندارد اگرچه از بیانات مندمج در آثار مبارکه تردیدی نمی‌توان روا داشت که تبلور و شکوفائی بدیع هنرهای جدید و جمیل را می‌توان در آئینه آیه انتظار داشت." (ترجمه)^(۳)

۱- دستخط مورخ ۳ دسامبر ۱۹۱۲ معبد علی خطاب به یکی از احد.

Mark Tobey - ۲

۳- دستخط مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۱۳ بیت العدل اعظم خطاب به یک محفل روحانی منی

۵- حضرت ولی محبوب امرالله این نکته را توضیح فرمودند که شکوفائی هنرها که نتیجه ظهور الهی است، تنها بعد از چند قرن حاصل خواهد شد. امر بهائی تجدید بنای کامل جامعه بشری را به عالم عرضه می‌کند، تجدید بنایی با تأثیری چنان وسیع و دامنه‌دار که در جمیع ظهورات ماضیه به انتظار آن بوده‌اند و آن را استقرار ملکوت آئینی بر وجه ارض خوانده‌اند. معماری جدیدی که این ظهور الهی به وجود خواهد آورد بعد از نسلهای بسیار شکوفا خواهد شد. ما تنها در بدایت این جریان عظیم هستیم.

زمان حاضر عبارت از دوران اغتشاش و تحول است. معماری، مانند جمیع فنون و علوم، دستخوش توسعه بسیار سریعی است؛ اگر شخصی صرفاً تحولاتی را که در طول چند دهه اخیر رخ داده است در نظر بگیرد می‌تواند نسبت به آنچه که احتمالاً طی سنوات بلافصل آتی اتفاق خواهد افتاد تصور و تجسمی پیدا نماید. بلاتردید برخی از اینیه جدیده دارای صفات و کیفیات عظیمه هستند و دوام خواهند یافت، اما بسیاری از آنچه که اینک تحت ساختمان هستند ممکن است طی چند نسل آتی منسوخ گردیده نازیبا جلوه نمایند. به عبارت دیگر، معماری نوین را می‌توان توسعه‌ای جدید در مرحله ابتدائی آن تلقی نمود (ترجمه) (۱)

۱- دستخط معبد اعلی مورخ ۱۸ جولای ۱۹۷۴ خطاب به یکی از احبائه

۶- بیت‌العدل اعظم بر این عقیده هستند که در حال حاضر در توسعه نطق امرالله، مسئولیت اولیه آن عبارت از تمهید و اجرایی نقشه‌هایی است که بری حصول اهداف تعیین شده در انواع نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء طرح می‌شود و نظریه‌های مربوط به هنرها، فنون و علوم باید تحت نظر نفوسی که در این زمینه‌ها مجرب و متخصص هستند، تهیه گردد و توسعه یابد. ترجمه^{۱۱}

۷- ممنوعیت عرضه و نمایش دادن مظهر ظهور الهی در نقاشی‌ها، طراحی‌ها و تصاویر یا در برنامه‌های نمایشی شامل جمیع مظاهر ظهور الهی می‌گردد. البته در ادوار ماضیه آثار عظیم و عالی هنری خلق شده است که بسیاری از آنها مظاهر ظهور الهی را با روح احترام و عشق به تصویر کشیده‌اند. مع هذا، در این ظهور مبارک، بی‌شک نوع بشر و آگاهی بیشتر از ارتباط بین مظهر ظهور کنی و عباد وی، ما را قادر به درک این نکته می‌سازد که تجسم و نمایش دادن نفس مظهر ظهور الهی در قالب انسانی، اعم از تصویر، نقاشی، مجسمه یا برنامه‌های نمایشی مستحیل و محال است. حضرت ولی محیوب امرالله در بیان ممنوعیت آن در امر بهائی، این مستحیل بودن را

۱- بی‌م‌مؤرخ ۱۸ جولای ۱۹۱۴ که از طرف معبد اعلی خطاب به یکی از حاضرین شده است.

خاطر نشان فرموده‌اند.^(۱) (ترجمه)

۸- همین قوئی مخرب به توازن سیاسی، اقتصادی، علمی، ادبی و اخلاقی عالم را نیز بر هم می‌زنند و عالی‌ترین اثمار مدنیت حاضر را نابود می‌سازند... حتی موسیقی، هنر و ادبیات که باید مظهر و الهام‌بخش شریف‌ترین احساسات و عالی‌ترین منویات و منشأ و منبع سکون و آسایش برای نفوس مضطربه باشند، از صراط مستقیم منحرف شده و هم‌کنون مرایای قلوب گوده این عصر مبهوت، غیر اخلاقی، و عنان‌گسیخته هستند.^(۲) (ترجمه)

۹- به‌طور کلی، افسانه‌سرایی که نویسندگان امیدوارند به ارتقاء و ترویج معارف امری مساعدت نماید، اگر در زمینه‌های از وقایع خاقص یا جریان‌های در حال توسعه امرالله قرار داده شود، و برای توضیح و تشریح نفس وقایع حقیقی تاریخی و نفوسی که در آن وقایع شرکت داشته‌اند استفاده نشود، در حصول این هدف تأثیر بیشتری خواهد داشت. واقعیت وقایع حقیقی و نفوس واقعی بمراتب بیشتر از حکایات افسانه‌ای اطمینان‌بخش است. در این رابطه منشی حضرت

۱- دستخط مورخ ۹ ص ۱۹۷۸ که از طرف معهد اعلی خطاب به یکی از احثاء نوشته شده است.

۲- پیام مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ معهد اعلی خطاب به احثای ایرانی سراسر عالم.

ولی امرالله از قبیل هیکل مبارک^(۱) چنین مرقوم داشت:

ایشان افسانه را به عنوان وسیله‌ی جهت تبیین توصیه
نمی‌فرمایند؛ شرایط عالم حادث‌تر از آن است که در عرضه‌ی مستقیم تعالیم
مبارکه مرتبط با اسم مبارک حضرت بهاءالله به اهل عالم تأخیر را مجاز
شمارد. لکن هرگونه اقدام مناسبی در امری که هر گروهی را
مجنوب سازد، ارزش بذل مساعی را ندارد. چه که ما مایلیم امر الهی را
به اطلاق جمیع نفوس، از جمیع طبقات زندگی و هر نوع طرز تفکری،
برسانیم. (رحمه)^(۲)

۱- مکشوب شما... در خصوص هنر دریافت شد و
بیت‌العدل اعظم امر فرمودند که در مورد طرح شما توصیه کرده که از
استعداد و قریح هنری خود برای بیان روح تعالیم حضرت بهاءالله
استفاده کنید. معهد اعلی صمیمانه شما را به تعقیب هدف خود
تشویق می‌فرمایند...

در اجابت تقاضای شما برای هدایت در خصوص بهترین
طریقه ابلاغ امرالله به هنرمندان، می‌توان گفت که علاوه بر روش‌های
کلی جذب نفوس، هنرمندان نسبت به هنر حساس و دارای

۱- در تاریخ ۲۳ برج ۱۹۴۵ خطاب به یکی از اجتهاد.

۲- دستخط تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ از طرف معهد اعلی خطاب به یکی از اجتهاد.

عکس‌العمل مثبت هستند. وقتی که تعالیم عالی‌امر الهی در آثار هنری منعکس گردد، قلوب نفوس و از جمله هنرمندان، از آن تأثیر خواهد پذیرفت. یک فتره منتخَب از آثار مبارکه یا توصیف قطعه هنری آنچنان که به آثار مبارکه مربوط می‌شود، می‌تواند ادراک نسبت به منبع و منشأ این انجذاب روحانی را در بیننده ایجاد نماید و او را به مطالعه بیشتر در خصوص امر مبارک هدایت کند.^(۱)

۱۱- با تکامل جامعه جهانی، که مشتمل از نفوس با زمینه‌های فرهنگی بسیار و سلائق متفاوت قرون است. و هر یکی از آنها نسبت به آنچه که از لحاظ زیبایی‌شناسی مقبول و دلپذیر است مفهوم خاص خود را دارد، بهائینی که در زمینه موسیقی، نمایش و هنرهای تجسمی داری استعداد و قریحه هستند مختارند از استعداد خود در سبیل خدمت به امر الهی استفاده کنند. در صورتی که جمیع آحاد اجتهاد آنها را درک نکنند و مورد تقدیر قرار ندهند، آنها نباید مضطرب شوند. بلکه، با معرفت نسبت به نصوص الهیه در مورد موسیقی و تجلیات هنری ... آنها باید با وقوفی مشتاقانه به این نکته که هنرها و وسایلی مؤثر و قوی برای خدمت به امر الهی هستند و در موقع خود دارای اثمار و فواید خواهند بود. به معنی هنری خود

۱- دستخط مورخ ۲۱ جولای ۱۹۸۲ از طرف معبد اعی حصاب به یکی از آحاد اجتهاد

ادامه دهند.^۱ (ترجمه)

۱۲- "مکتوب شما ... در تقاضای هدایت در خصوص نمایش تجسمی نفوسی مرتبط با عصر رسولی امر مبارک و اصل گردید. بیت العدل اعظم مایلند که مطلع باشید که در آثار حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم هیچ نکته‌ای وجود ندارد... که هنرمندان را... از تهیه نقاشی‌هایی از حروف حق در محیط یا در حال حضور در وقایعی که از لحاظ تاریخی صحیح هستند، منع کند. بدیهی است، علاوه بر صحت موضوع، حفظ شأن و احترام نفوسی که در تصویر نشان داده می‌شوند، واجد اهمیت است." (ترجمه)^۲

۱۳- "معماری در این زمان، مانند جمیع جنبه‌های مدنیت ما، یک دوران توسعه و ترقی سریع را طی می‌کند و از یک دهه تا دهه دیگر متحول می‌گردد. احدی نمی‌تواند مطمئن باشد بنائی که اکنون به سبک جاری امروز ساخته می‌شود در نظر نفوسی که پنجاه سال دیگر زندگی می‌کنند نیز جمیل و شکیل جلوه نماید. لهذا، برای مرکز اداری جهانی امرالله، حضرت ولی محبوب امرالله سبک معماری

۱- دستخط ۱۹ اگست ۱۹۸۳ از قلم معهد اعلی به یکی از اجتهاد

۲- دستخط ۱۵ اکتبر ۱۹۸۳ از طرف معهد اعلی خطاب به یک محفل روحانی منی

کلاسیک یونانی را انتخاب فرمودند. این سبک، سبکی پخته و معقول، بسیار جمیل است که مدت دو هزار سال دوام آورده است. مع کُلّ ذنک، صحیح نخواهد بود که نتیجه گیری کنیم سبکهای کلاسیک یونانی به طور اخصّ معماری بهائی هستند. (ترجمه)^(۱)

۱۴- با مرود شمردن نظرات کوتاه بینة نفوس متوسط، بگذرید علی منارج تعالی را به هر نحوی که مایلند ارزیابی نمایند. شاید که مصمم گردند جوی را که در آن حرکت می کنند، اعم از این که در حجرات مدرسه باشند یا تالارهای تحصیلات عالی، در محل کار باشند یا در محل تفریح، در فعالیت های امری یا خدمات اجتماعی، متعالی سازند.

سَمّاً، بگذرید در کمال اطمینان به استقبال مشکلات و معضلاتی بیرون که در انتظار آنها است. جوانان امروز، با برخورداری از این تعالی و نیز تواضع و فروتنی مناسب، با استقامت و استحکام و بندگی مشتاقانه و عاشقانه، باید به مدارج مقدم حرف، مشاغل، فنون و صنایعی که برزی ترقی و تقدّم جامعه بشری مفید است حرکت کنند و اطمینان داشته باشند که روح امر الهی پرتو نورانی خود را بر جمیع این مواضع مساعی نوع انسان خواهد افکند.

۱- دستخط مورخ ۳ سبتمبر ۱۹۸۴ از قلم بیت العدل اعظم خطاب به یکی از اعضاء

مضافاً، در حالی که هدف آنها حصول تبحر و کمال در مفاهیم وحدت بخش و فنون سریعاً در حل توسعه این عصر ارتباطات می باشد، می توانند و مسلماً باید انتقال آن دسته از مهارت های حافظ موفقیت های شگفت انگیز و حیاتی گذشته به آینده را تضمین نمایند. تحوُّلی که باید در عملکرد جامعه حادث شود مسلماً تا حد زیادی به کَرَنی و تأثیر گذاری تمهیدات و تشریحات حوالتان بری جهانی که وارث آن خواهند بود، بستگی خواهد داشت.^(۱)

۱۵- بیت العدل اعظم مایلند شمارا در تحریر کتابتان تشویق نمایند. اما یادآوری می کنند که حضرت ولی امرالله صریحاً بیان فرمودند که در این مرحله ابتدائی ظهور مبارک، چیزی به نام فرهنگ، هنر، موسیقی یا معماری بهائی وجود ندارد. جمیع اینها بالاترین در آتیه ایام به عنوان نتیجه طبیعی مدیت بهائی ظهور خواهد کرد. پیش بینی های حضرت ولی امرالله در این قبیل موارد را نباید هرگز به عنوان نهادن اساسی برای چنین تحولاتی تلقی نمود. همانطور که

مردود شمردن طرحی که برای معبد کامپلا به ایشان تقدیم گردید دلالت دارد ... ایشان معتقد نبودند که زوَنده نوین کلی معماری معمول در عصر حاضر برای یک مشرق لافکار بهائی مناسب باشد، اما

۱- دستخط مورخ ۸ می ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم خطاب به حوالتان بهائی عظم

این امر به هیچ وجه دلیل بر آن نیست که حضرتشان یک الگوی جدید را بنفسه المبارک بنیاد نهاده‌اند. بنا به گفتهٔ امة‌البهاء روحیه خانم، انتخاب سبک کلاسیک توسط ایشان برای ائینه روی کوه کرمل، بر این مبنی بوده است که این سبک زیبا و متناسب با منطقه بوده و در آزمون زمان دوام و استقامت خود را نشان داده است. لهذا، شما باید دقت کنید که نه اشاره‌ای داشته باشید و نه امکان این استنباط را فراهم نمائید که حضرت ولی امرالله اساس ائینه اشکال هنر بهائی را گذاشته‌اند. ایشان با استفاده از هر آنچه که در دسترس بود، حدائق جمینه و ائینه شکنه را ایجاد فرمودند و در مورد رونمای مقام حضرت اعلی، منحصصینی را به این کار منصوب فرمودند که می‌توانستند طرحهای مناسبی را تحت هدایت حضرتشان تهیه نمایند.^(۱) (ترجمه)

۱۶- در اشاره به موسیقی و هنرهای مستظرفه، البته شما مختارید که آنها را در برنامه‌های درسی مدارس بهائی قرار دهید. بسیاری از سایر محافل ملیه، که با اطلاعات عمیقی از آثار امری در خصوص موسیقی و هنرها دارند، چنین تعلیمات و مطالبی را در این مرحله از توسعه جامعه بهائی، هر زمان که میسر یافتند، ضمیمه مواد درسی می‌نمایند. ایجاد انگیزه، جمع‌آوری و انتشار موسیقی

- دستخط مورخ ۳۳ جون ۱۹۸۵ از طرف معهد اعلی خطاب به یکی از احباء

سودمندی که اکنون در عالم بهائی در حال ظهور و بروز است و استفاده منظم و مدوّن آن در مدارس، مستلزم فعالیت بسیار زیادی توسط معلمین مخلص، علائقند و مستعد است...

طبق تعالیم مبارکه، موسیقی و هنرها را باید تشویق نمود. آنها به میزانی بی حد و اندازه بر نیروی حیاتی و روح جامعه می افزایند. از افکار و مساعی محفل شما تقدیر می گردد و در ادعیه بیت العدل اعظم در خاطر خواهید بود. (ترجمه)^(۱)

۱۷- در خصوص استفاده از سمبولیزم در هنر، مستحبات زیر از دستخطهای معهد اعلی خطاب به دو تن از یاران می تواند جوابی را که می خواهید به شما بدهد:

در استفاده از پدیده های طبیعی به عنوان نمادهایی جهت توصیف اهمیت و عظمت طلعات ثلاثه مقدسه، احکام بهائی، نظم اداری بهائی، مانعی مشاهده نمی کنیم؛ تناسب استفاده از نمادهای تجسمی برای بیان مفاهیم مجرد و انتزاعی را مورد تقدیر قرار می دهیم.^(۲)

استنباط شما که نمایش دادن حضرت اعلی و حضرت

۱- دستخط مورخ ۲۰ آگست ۱۹۸۵ از طرف معهد اعلی خطاب به یک محفل روحانی منی

بهاء‌الله در آثار هنری ممنوع است، کاملاً صحیح می‌باشد.

حضرت ولی امرالله این نکته را توضیح فرمودند که این ممنوعیت شامل جمیع مظاهر ظهور الهی است؛ عکس‌ها یا تکثیر تصاویر حضرت مولی‌الوری را می‌تواند در کتابها مورد استفاده قرار داد. ولی در کارهای نمایشی و سایر آثار هنری که ایشان به عنوان یک "شخصیت نمایشی" به تصویر کشیده شوند نباید اقدامی صورت گیرد. به هر حال، با ارائه نمادین این هیات کل مقدسه نمی‌تواند مخالفتی وجود داشته باشد. مشروط بر آن که به یک امر مرسوم بدل نگردد و نماد مورد استفاده موجب بی‌حرمتی نگردد.^(۱)

گاهی اوقات شما نمادهایی را که در نقاشی‌های خود استفاده می‌کنید، به تفصیل کتباً توصیف می‌نمائید: عملاً این امر می‌تواند جنبه‌ای را معمول سازد که بیش از حد لزوم تبیین مفاهیم بهائی گردد و مآلاً به جای آن که تقویت‌کننده مساعی هنری شما باشد، از جلوه آنها بکاهد. سمبولیزم ماده و خمیره هنر است. اما هنرمندان ندره به تعبیر و تبیین نمادهای مورد استفاده خود می‌پردازند و به عهده ناظرین بر آثار خویش می‌گذرانند که خود استنتاج نمایند و در این طریق گاهی بیش از اشاره‌ای یا نشانه‌ای از عناوین چنین آثاری را بیان نمی‌دارند. نامگذاری یک قطعه هنری، حقّ نحصاری هنرمند است؛ تنها

مورد اعتراض می‌تواند استفاده از عنوانی فاقد حرمت لازم پیری
قطعه‌ای باشد که مبین یک موضع بهائی است.

در خصوص سؤال شما در مورد آفرینش یک نقاشی که
توصیف جدیدی از یک فقره از آثار مبارکه است، بیت‌العدل اعظم
معتقدند که تشکیلات امریه نباید هنرمندان را از خلق نمونه‌های
متنوعی از خوش‌نویسی که ارائه‌دهنده آثار مبارکه یا اسم اعظم است،
منع نمایند. مع کُلِّ ذلک، چنین تلاش‌هایی باید با ذوق سلیم همراه
باشد و شامل آشکالی نگردد که مورد ملاحظه و استهزاء واقع می‌شوند.
در ارتباط با نماد اسم اعظم که به‌طور معمول مورد استفاده قرار
می‌گیرد، بیت‌العدل اعظم توصیه می‌فرمایند که در عرضه صحیح
خوش‌نویسی فارسی آن دقت عظیم مبذول گردد، زیرا هرگونه انحرافی
از نقش مصوّب مزبور می‌تواند احبّای ایرانی را محزون و افسرده
سازد. (ترجمه)^(۱)

۱۸- تدبیری که بیت‌العدل اعظم تمهید دیده‌اند تا از هرگونه
تکثیر شمایل یا تصاویر حضرت مولی‌الوری جهت توزیع معانعت به
عمل آید، به هیچگونه قضاوتی در مورد کیفیت یک نقاشی اشاره ندارد.
در کیفیت خلّاقیت و ذوق هنری که در خلق تصاویری از حضرت

۱- دستخط ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ از طرف بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از احبّه

مولی‌الوزری معمول گشته، تنوع و سیعی وجود دارد. بیت‌العدل اعظم مؤیل نیستند که در مورد یک نقاشی نسبت به نقاشی دیگر رُجحانی قائل شوند؛ بلکه این تدبیر کلی را به عنوان وسیله‌ای در نظر گرفته‌اند که تضمین نماید ادبای احترام مناسب نسبت به تصاویر و شمایل حضرت عبدالقیام معمول گردد و توزیع سوادهای عکسی نقاشی‌هایی که از کیفیت ضعیفی برخوردارند ابدأ صورت نگیرد.

بین انتشار عکس‌ها و تصاویر نقاشی شده در کتابها و مجلات و انتشار آنها به طور جداگانه، که توسط بیت‌العدل اعظم ممنوع شده است، تفاوتی بارز و مهم وجود دارد. مورد اول که تا حدی تحت نظارت و قضاوت ناشر می‌باشد، ممنوعیتی ندارد.

بیت‌العدل اعظم به طور اعم معتقدند که یکی از بزرگترین مسائل و معضلاتی که بیانیان در همه جا با آن مواجهند عبارت از ایجاد وقوف و آگاهی نسبت به واقعیت روحانی در اهل عالم است. نظر ما نسبت به عالم به نحو بارزی با نظر توده نوع بشر متفاوت است، چه که ما معتقدیم خلقت عبارت از وجود روحانی و نیز وجود عنصری است، و هدف جهانی را که اکنون در آن هستیم صرفاً مرکوبی برایی ترقیات روحانی خود می‌دانیم.

این نظریه دارای اشارات و دلالاتی تلویحی به رفتار و سلوک بیانیان دارد و اعمال و افعال را موضح می‌سازد که کاملاً با سلوک متداول در جامعه خارج از جامعه بیانیی مغایر می‌باشد. یکی از

فضائل ممتاز و متمایزی که در آثار بهائی بر آن تأکید شده است عبارت از احترام به مقدّسات می باشد. چنین سلوکی بی‌نی نفوسی که دیدگاه آنها نسبت به عالم کاملاً مادی است، معنی و مفهومی ندارد، در حالی که بسیاری از پیروان ادیان رایج عالم آن را در حدّ مجموعه‌ای از آداب و رسوم عاری از احساسات واقعی روحانی تنزیل داده‌اند.

در بعضی موارد، آثار مبارکه بهائی شام هدایت دقیق در خصوص نحوه احترامی است که باید نسبت به اشیاء یا اماکن متبرکه معمول داشت، مانند محدودیت در خصوص استفاده از اسم اعظم روی اشیاء یا استفاده عام از صدیقی ضبط شده حضرت مولی‌الوری. در سایر موارد، از احتیاء دعوت می شود سعی کنند در خصوص مفهوم تقدّس در تعالیم بهائی درک عمیق تری کسب نمایند و به این ترتیب بتوانند سلوک و رفتار خویش را که مبین رعایت احترام و حرمت می باشد تعیین نمایند.

اهمیت چنین سلوک و رفتاری منبث از اصلی است که در آثار مبارکه بهائی بیان شده است، که ظاهر تأثیر بر باطن دارد. حضرت بهاء الله در خصوص "حزب الله" می فرماید:

"ظاهرشان عین باطن و باطن نفس ظاهر."^(۱)

با این معیار و بر این اساس است که بیت العدل اعظم می‌پندند

شما مسائل مورد توجه را که در چند سال گذشته بیان شده است، ملحوظ نظر داشته باشید. احتیاتی که از موهبت استعداد هنری برخوردارند از موقعیت بی نظیری بهره مند هستند که، وقتی به مواضع امری می پردازند، از توانائی های خود به نحوی استفاده کنند که شواهد تجدید روحانیت را که امر بیانی با احیاء مجدد مفهوم حرمت و تکریم مقدّسات به اهل عالم اعطاء کرده است، برای نوع بشر واضح و میرهن سازند.

سؤالات مربوط به حرّیت هنری به مواضعی که در اینجا مطرح شده مربوط نمی گردد. هنرمندان بیانی مختارند که استعداد خود را در هر موضوعی که مورد علاقه آنها است به کار ببرند. معهدا، رجای واثق این است که آنها در ایجاد درک و فهم نسبت به تکریم مقدّسات به عنوان عامنی در حصول حرّیت حقیقی و سعادت ابدی، در یک جامعه ماده گرا، نقش رهبری را ایفا کنند. (ترجمه)^(۱)

۱۹- بیت العدل اعظم از وقوف بر حصول موفقیت شما در حرفه خود مسرور و خشنود هستند. معهد اعلی توصیه می فرمایند که این فعالیت حرفه ای را در زمینه خدمت به امر مبارک و ترویج امر اعلام و ابلاغ امرالله مطمح نظر قرار دهید. توفیق شما در موسیقی

۱- دستخط مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۱ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از اجتهاد

شما را قادر می‌سازد که با بُعد و سیمی از نفوس تماس برقرار کنید و مآلاً با بیان و توصیف قدر و اهمیت پیام حضرت بهاء‌الله در موسیقی خود، پیام مبارک را به ایشان ابلاغ و اعلام نمائید. همچنین، با گسترش حرقه خود می‌توانید در میان نفوس ذی‌نقوذ روابط دوستانه‌ی ارزشمندی نسبت به امر مبارک ایجاد نمائید. قبل از اتخاذ تصمیم در مورد منطقه‌ای که باید در آن ساکن شوید، این ملاحظات می‌توانند به خوبی شما را مساعدت و هدایت نمایند. هنرمندان بهائی که در زمینه انتخابی خویش از شهرت و آوازه مطلوبی برخوردار می‌شوند، و خویشان را همچنان وقف ترویج امر مبارک می‌نمایند، در حاضری حاضر، که اشتیاق عامه به اطلاع از تعالیم بهائی تدریجاً برانگیخته می‌شود، می‌توانند به امر مبارک مساعدت بی‌ظنیری نمایند. (ترجمه) (۱)

۲۰- استفاده از منتخباتی از آثار مبارکه به عنوان غزل جهت همراهی با آهنگهای تصنیف شده و نیز تکرار آیات یا کلمات، امری مجاز می‌باشد. منتخبات زیر از آثار مبارکه توضیحات بیشتری در این مورد را در اختیار می‌گذارد:

حضرت عبدالجبار می‌فرمایند: "پس ... به آوازی جانانرا"

۱- دستخط مورخ ۳۰ جون ۱۹۸۸ از طرف معهد اعلی خطاب به دو تن از اعضاء

آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل به آهنگی بنواز تا قلوب
 'مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان بهیجان آید
 و تبثّل و تضرّع بملکوت ابهی کند.'^(۱)

حضرت ولی امرالله میفرمایند، 'تردیدی نیست که ادعیه و
 قسمت‌هایی از الواح، کلمات مکتونه^۱ و امثال آن مناسب خواهد بود،
 اما ایشان معتقد نیستند که تلخیص هیچ قسمتی و به عبارت دیگر
 حذف یک بند یا یک دعا و مختصر ساختن آن به این ترتیب، مقرون
 به صلاح باشد.'^(۲) (ترجمه)

در جواب به سؤالی که یکی از احباء در خصوص تغییرات
 جزئی کلمات برای تصحیح لحن یا افزودن یک کلمه برای
 وزن کامل عبارت، مطرح ساخته است، حضرت ولی امرالله
 چنین می‌فرمایند، 'تغییرات جزئی در متن ادعیه مجاز است، و من به
 شما توصیه می‌کنم موسیقی را با نفس کلمه نازله تنظیم کنید، زیرا
 معتقدم بی‌نهایت مؤثر خواهد بود. دعا می‌کنم که جمال محبوب شما
 را در حصول توفیق در این خدمت عظیم به امر مبارکش ملتهم
 سازد.'^(۳) (ترجمه)

۱- مستخرجانی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۳

۲- نقل از توفیق موزخ ۳ جولای ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّه.

۳- دستخط حضرت ولی امرالله در حاشیه توفیق موزخ ۸ آپریل ۱۹۳۱ از طرف هیکل مبارک خطاب

و اما در مورد سؤالی که در خصوص تنظیم آیاتی لَزْ أَثَرِ مَبَارَكَةٍ امری با آهنگهای موجود، با توجه به اینکه هیچ حَقّ ضعیف یا محدودیت قانونی در این رابطه وجود ندارد، مطرح نمودیم هر فردی باید در نظر داشته باشد که چنین قطعه‌ای از موسیقی ممکن است موردی را در ارتباط به قطعه اصلی، اعم از شعر یا حالت، با خود همراه داشته باشد، و ممکن است با مقتضیات رعایت حرمت و تقدس آثار مبارکه منطبق نباشد. (ترجمه) (۱)

۲۱- در تبیین و تفسیر یک دعا به صورت یک قطعه موسیقی (۲) یا رقص در صورتی که کاملاً حرمت و تقدیس رعایت گردد، بلامنع است ولی مرجحاً نباید با قرائت کلمات مبارکه همراه باشد. (ترجمه) (۳)

۲۲- بیت‌العدل اعظم از وقوف بر فعالیت‌های تبلیغی شما و اخلاص و ایثار شما نسبت به امر مبارک عنبرغم معضلات و مشکلاتی

به یکی از اجتهاد

۱- دستخط مورخ ۴ د. میر ۱۹۸۹ از طرف بیت‌العدل عهده خط به یکی از اجتهاد

۲- movement

۳- دستخط مورخ ۴ ژانویه ۱۹۹۰ از طرف معبد اعلی خط به یکی از اجتهاد

که به عنوان یک موسیقیدان متحمل شده‌اید، سرور و مشغوفند. و اما در خصوص سؤال شما، بدیهی است که تعالیم بهائی سوء رفتار نسبت به موسیقیدانان یا سایر هنرمندان را نمی‌پذیرد، و از هنرمندان انتظار ندارد که خواست و اراده آزاد و اختیار خود را فدای امیال و اهواء یا حتی اعتقادات قوی سایر بهائیان نمایند. و اما در خصوص فشارها و مشکلاتی که بین تبلیغ امرالله توسط شما با استفاده از موسیقی و به موازات آن احتیاج شما به تأمین مالی خود بروز می‌نماید، پیشنهاد می‌شود که خود شما در این رابطه محدودیت‌هایی را وضع نمایید. فی‌المثل مادر توقیع مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبباء مرقوم شده است، هدایت زیر را مشاهده می‌کنیم:

توصیه‌هایی که حضرت ولی امرالله در مورد تقسیم وقت خود بین خدمت به امر مبارک و ایفای سایر وظایف به شما فرمودند توسط حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری به بسیاری از سایر احبباء نیز شده است. این اقدام عبارت از توافقی بین دو آیه کتاب مستطاب اقدس است که یکی از آنها خدمت به ترویج امرالله را الزامی می‌سازد و دیگری هر فرد را به اشتغال به حرفه‌ای که مفید به حال جامعه باشد ملزم می‌نماید. حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود می‌فرمایند که عالی‌ترین شکل انقطاع در این یوم عبارت از اشتغال به یکی از حرف جهت تأمین معاش خود می‌باشد. بنابراین، یک بهائی

خوب عبارت از نفسی از است که حیات خود را وقف نیازهای مادی خود و نیز خدمت به امرالله نماید. (ترجمه)^(۱)

۲۳- "تمایل قلبی شما به استفاده از تئاتر به عنوان وسیله‌ای برای اتساع نطاق امرالله در میان خلق قابل تحسین است و امیدمعیند اعلی چنان است که مساعی مخلصانه شما در بین مضمار موجب رضایت خاطر شما و حصول منافع جامعه گردد؛ معیناً، همانطور که خود شما اظهار داشته‌اید، بر مشکلات و معضلات بانقوه در بدن مساعی جهت اجرای تئاتر بهائی در این ایام و در جوی از عدم بردباری که در مملکت شما رواج دارد، کاملاً وقف هستید، و لذا ضرورت می‌یابد که نمایشنامه‌هایی خلق نکنید که موجب تحریک مخالفت عامه ناس یا خشم و غضب مرتجعین مذهبی گردد." (ترجمه)^(۲)

۲۴- "... اجرای رقص‌های سنتی مربوط به بیان یک فرهنگ در حظائر قدس مجاز می‌باشد. مع کمال ذنک، باید به خاطر داشت که چنین رقص‌های سنتی عموماً دارای یک موضوع زیربنایی است به حکایتی را بازگو می‌نماید. باید بسیار دقت نمود تا حصول اطمینان

۱- دستخط مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۰ از طرف معهد اعلی خطاب به بکر از اجتهاد

۲- دستخط مورخ ۹ آوریل ۱۹۹۰ از طرف معهد اعلی خطاب به بکر محفل روحانی سن

شود که مواضع چنین رقصهائی منطبق با معیارهای عالی اخلاقی امرالله باشد و نمایشی نباشد که غرایز پست و امیال بی ارزش را تحریک نماید...

و اما در مورد رقصهای طراحی شده که مقصد از آنها تقویت و اعلام اصول امریه باشد، اگر به طریقی بتوان آنها را اجرا کرد که عنق و شرافت چنین اصولی را بیان نماید و محرک رفتار مناسبی را تکریم و احترام به مقدسات باشد، هیچ مخالفتی با رقصهائی که مقصد از آنها توضیح و تشریح فقراتی از آثار مبارکه باشد نخواهد بود. معیناً، مرجح آن است که حرکات رقص همراه با زیرت آثار مبارکه نباشد.

اصلی که باید هدایت کننده یاران در ملاحظه این مسائل باشد عبارت از حفظ اعتدال در جمیع مراتب و حوال از وضع پوشش و لباس و ادبی الفاظ و کلمات و استفاده از منکات و فرائح و ادبی است. (۱) ترجمه (۲)

۲۵- "البته هیچ منعی بر استفاده از عبارت 'هنرمند بهائی' نیست، اما در این برهه از زمان در ظهور امر بهائی ما نباید از اصطلاح 'هنر امری'، 'موسیقی امری'، یا 'معماری امری' استفاده

۱- پیروز عندانی، ص ۶۳

۲- دستخط مورخ ۲۰ حوت ۱۹۹۱ از طرف معبد اعلیٰ حصه به یک محفل روحانی منی

کنیم.^۱ (ترجمه)

۲۶- "داستان بلند به عنوان یک واسطه، آزادی زیادی را به مؤلف عرضه می‌دارد تا آراء و زمینه‌های فکری را که تاکنون مکتوف نشده است، شرح و بسط دهد. معهذاً باید دقت نمایید که اگر امر مبارک و تعالیم آن در داستان بلند صریحاً بیان گردد، باید دقت نمایید که تعابیر و توضیحاتی که ممکن است نادرست باشد پرهیز نمایید. از طرف دیگر اگر در داستان بلند هیچ ارتباط و ضحی با امر مبارک وجود نداشته باشد، شما مختارید که از تخیلات خویش در مطالعه و اکتشاف هر نوع آراء و عقایدی که منشأ آنها اصول امر مبارک باشد، استفاده نمایید.^۲ (ترجمه)

۲۷- "از یاران دعوت می‌شود در جمیع مساعی خویش برای حصول اهداف نقشه چهارساله، توجه بیشتری به استفاده از هنرها، نه تنها برای اعلام امرالله، بلکه برای توسعه و تحکیم نیز معطوف نمایند. هنرهای گرافیکی و نمایشی و ادبیات نقش عظیمی را در توسعه نفوذ امر مبارک ایفا کرده‌اند و می‌توانند ایفا کنند. در سطح هنر مردمی این

۱- دستخط مورخ ۱۳ مارچ ۱۹۹۲ از طرف معبد اعلیٰ حصاب به دو تن از اعضاء،

۲- دستخط ۱۵ فوریه ۱۹۹۲ از طرف معبد اعلیٰ حصاب به یکی از اعضاء،

امکان را می‌توان در هر نقطه‌ای از جهان، اعم از قصبات، بلاد یا شهرها، تعقیب نمود. حضرت ولی امرالله به هنرها به عنوان وسیله‌ای برای جذب و جنب توجه به تعالیم مبارکه، امید زیادی داشتند. توفیقی که از طرف هیکل اطهر به یکی از احباء مرقوم شده است، نظر آن حضرت را چنین بیان می‌دارد، 'یومی فرا خواهد رسید که امر الهی مانند شعله آتش گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و تعالیم امرالله بر روی صحنه یا به طور کلی در قالب هنر و ادبیات عرضه خواهد گردید. هنر بمراتب بهتر از استدلال سرد و بیروح، بخصوص در میان توده مردم، می‌تواند احساسات و عواطف متعالیه و شریفه را بیدار نماید.' (۳۱۶۱)

۲۸- در بسیاری از نواحی توجه کافی به تعلیم و تربیت طفلان مبذول نشده است. برنامه‌های بمرتب وسیع تری در معالکی که این نیز وجود دارد باید به مرحله اجرا درآید که تضمین نماید اطفال یتیمی تحت پرورش قرار می‌گیرند، به کسب اذهان تعلیم دیده تشویق می‌شوند، یا معرفتی سلیم نسبت به تعالیم الهی روشن می‌گردند، کاملاً مجهز می‌شوند که در امور امریه در جمیع سطوح مشارکت داشته

۱- مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۳۶ خطاب به یکی از احباء

۲- ۱۵ مورخ ۳۱ ژوئن ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به حثای عالم

باشند و در هنرها، صنایع و علوم لازم برای ترقی و تقدّم مدنیت اشتراک مساعی نمایند. چنین برنامه‌هایی، وقتی که استفاده از آن برای جمیع اطفال، اعم از بهائی و غیر بهائی، میسر باشد، وسیله‌ای قوی و مؤثر برای توسعه نفوذ سودمند پیام حضرت ولی امرالله در جامعه‌ای بزرگتر و وسیع‌تر خواهد بود.^(۱)

۱- پیام موزع ۳۱ آپریل ۱۹۹۶ بیت‌العدل: اعظم حصص له حتی استرلاب